

در باره وقایع شیلی

(اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

اندونزی، یونان، و دیگر کشورهای جهان دیده اند و میدانند که کارگردان این وقایع امپریالیسم امریکا و سازمانهای جاسوسی اوست که در شیلی، سیاست ضد امپریالیستی و دموکراتیک آئینده، بر آن ضربات کاری وارد ساخت.

قلب ما در این لحظات از احساس عمیق اندوه بخاطر شهادت یکی از بزرگترین رهبران اجتماعی امریکای لاتین و سقوط یک حکومت قانونی دموکراتیک سرشار است و ما از صمیم قلب با مردم شیلی ابراز همدردی و همبستگی و از مبارزه عادلانه و دلیرانه آنها پشتیبانی میکنیم و مطمئنیم که دشمنان این خلق زحمتکش و مبارز نخواهند توانست وی را برای همیشه در زنجیر استثمار و استعمار نو مقید سازند.

روشن باد خاطرۀ د کتر سالوادور آئینده گونسس - دارنده جاژۀ لنینی صلح!
پیروزیاد نبرد مردم شیلی وهمۀ خلقهای امریکای لاتین!

مرگ بر امپریالیسم!
هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

یکانگی خلق» (گونی داد پوپولار) را بدست گروه نظامیان فاشیست مآب (خونتا) سرنگون ساخت و شخص رئیس جمهور را با خونسردی دژخیمانه بقتل رساند. با قتل آئینده ارتجاع شیلی و امپریالیسم یکی از رجال برجسته صلح خواه و دمکرات را که مصدر خدمات بزرگی باستقلال و آزادی میهن خود و در سراسر جهان مورد احترام و علاقه عمیق خلق ها بود با دد منشی سرشتی خویش نابود ساختند. آئینده به زمره جاودانان بزرگ تاریخ انسانیت پیوست و ننگ نفرت ابدی برای قاتلان دیو صفت او باقی خواهد ماند.

سه سال مبارزه دمکراتیک شیلی برهبری د کتر آئینده صفحات درخشانی است از نبرد خلقها علیه امپریالیسم در امریکای لاتین. مسلماً این واقعه برجسته تاریخی، علی رغم شکستها و ناکامیها، اثرات دراز مدت خود را خواهد گذاشت و آن آرمانهایی که بخاطر آن د کتر سالوادور آئینده شهید شد سر انجام پیروز خواهد شد.

مردم ایران کودتاگران شیلی را موافق تجربه کهن خود خوب میشناسند و چهره حیوانی امثال آنها را در وقایع اسپانیا،

ارتجاع شیلی بدستاری امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی آن، روز یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳، پس از ماههای دراز اقدامات تخریبی و ترو-ریستی، دست به کودتا زد و حکومت قانونی و دمکراتیک د کتر سالوادور آئینده گونسس رئیس جمهور شیلی ورهبر «جبهه

مردم

ان مرکزی حزب توده ایران

ارزه برای اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت همچنان ادامه خواهد یافت

ایران است و از سوی دیگر دلیل بارزی است بر حقانیت و عادلانه بودن مبارزه مردم ایران برضد انحصارات غارتگر نفتی و بخاطر اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت، از خلال جار و جنجال گوسخراش تبلیغاتی رژیم این نخستین واقعتی است که بچشم میخورد.

امتیازات اصلی کنسرسیوم حفظ و تمدید شده است

طبق قرار داد جدید نفت مسلم میشود که، علیرغم ادعای رژیم مبنی بر اینکه حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت تأمین گردیده، امتیازات اصلی کنسرسیوم و در نتیجه تسلط کنسرسیوم بر منابع نفت ایران در قرار داد جدید نیز حفظ و تمدید شده است. بدلائل عمده زیرین:

- ۱) قرار داد جدید در واقع فروش نفت خام به کنسرسیوم نیست، بلکه امتیاز بهره برداری و صدور بخش اعظم همه مواد هیدرو کاربور موجود (اسفالت، نفت خام، گاز) در منطقه امتیاز را به کنسرسیوم واگذار میکند.
- ۲) همه تأسیسات شرکت ملی نفت ایران و از جمله پالایشگاه نفت آبادان الزاماً و بطور عمده مجباً در اختیار کنسرسیوم است.
- ۳) اعضاء کنسرسیوم بصورت «شرکت خدمات» همچنان بفعالیت خود ادامه خواهند داد. شرکت ملی نفت ایران تمام سرمایه و سایر وجوهی را که برای انجام عملیات مجواه به «شرکت خدمات» لازم باشد، در اختیار این شرکت خواهد گذاشت. «شرکت خدمات» ازدادن هر گونه مالیاتی معاف است.
- ۴) تعیین میزان تولید و صدور نفت با کنسرسیوم است. ضمناً پس از وضع سهم ایران هر چه باقی میماند متعلق به کنسرسیوم است.

سرانجام قرار داد جدید نفت با کنسر-روز دوم مرداد ماه ۱۳۵۲ بصورت ماده در مجلس تصویب رسید. و همراه آن «سیاس! سیاس!» دستگاه تبلیغاتی از «شاهنشاه آریا مهر»، که به کار بی او این باصطلاح پیروزی تاریخی آمده، به آسمان برخاست.

آنچه که رژیم بوسیله این گرد و غبار میخواست بر مردم ایران بقبولاند اینست و یا قرار داد جدید نفت اجرای تمام و ل ملی شدن صنایع نفت است. رژیم مد بدینوسیله مبارزه مردم ایران را بر حصارات غارتگر نفتی و بخاطر اجرای کمال ملی شدن صنایع نفت تمام شده دارد و در نتیجه بخیل خود مردم ایران جهت معنوی در این زمینه خلع سلاح ر افزار مبارزه را از دست آنها بگیرد، چیست؟

اعتراف دستگاه

دستگاه تبلیغاتی رژیم و محافل حاکمه برای اثبات اینکه قرار داد جدید نفت تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت مجبور به این اعتراف شده اند که ن انحصارات نفتی بر صنایع نفت ایران بوده اند. یعنی همانها که دهها سال است پرستان ایران را به «جرم» مبارزه بر حصارات غارتگر نفتی به بند میکشند، به میدهند و بقتل میرسانند، همانها که رهبری «سیا» با یک کودتای نظامی ت ملی و قانونی د کتر مصدق را ساقط و جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران را سر کوب نمودند، برای اینکه «اصلی شان مبارزه برای ملی کردن نفت بود» اینک باد درآستین میاندازند ریا به دوران حکومت و غارتگری ۷۲ کمپانیهای خارجی بر صنایع نفت پایان اند. این اعتراف و این خود ستائی از یک مانع عمق خیانت و سالوسی هیئت حاکمه

توطئه جنایتکارانه علیه زندانیان

تسلیم ناپذیر

میکند. سر به نیست کردن، کشتن زیر شکنجه، ترور در کوچه و خیابان، متهم کردن مقولین بمقاومت مسلحانه، به حمل اسلحه، و نظائر آنها برای پوشاندن جنایاتی که نمیتوان آنها را بکلی مستور کرد، نمونه هایی از شیوه های فاشیستی است که در کشور ما بکار میرود و تبلیغات سر تا پا دروغ دستگاههای تبلیغاتی ایران چون سرپوشی بر روی این جنایات گذارده میشود و وجود مخیض اختناق مطلق مانع از آنست که آنچه در میهن ما میگردد، بر جهانیان فاش شود.

هم اکنون نقشه تازه ای علیه جان زندانیان دنباله در صفحه ۴

رژیم ترور و اختناق سلطنت مطلقه از هیچگونه جنایتی علیه مخالفان خود بهر درجه از مخالفت که باشند، فروگذار نمیکند. بدون اغراق میتوان گفت در کثیر کشوری در جهان این همه فجایع بی سرو صدا روی میدهد، واقعاً «پایادو پولوس» دیکتاتور یونان و حکومتی چون حکومت وان تیو در سایگون و حکومتی پرتقال و اسپانیا در حق کشی، آدمکشی، وحشیگری و دد منشی بیای جلا دادن سازمان «امنیت» حکومت مطلقه شاهنشاهی ایران نمیرسند. «نیوغ» مأموران «آریا مهر» هر روز راه تازه و نقشه جدیدی برای نابودی مخالفان رژیم کشف و شیوه های نوی ابداع و اختراع

کنگره عظیم جهانی صلح که در ماه اکتبر ۱۹۷۳ در شهر مسکو تشکیل خواهد شد شعارهای زیرین را در سر لوحه برنامه خود قرار داده است. مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز و تأمین امنیت بین المللی، استقرار صلح در هند و چین و خاورمیانه، تأمین امنیت و همکاری در اروپا و آسیا و اجرای خلع سلاح، مبارزه علیه استعمار، نو استعمار و سیاست تبعیض نژادی، مبارزه در راه استقلال و رشد اقتصادی خلقها و تأمین همکاری خلقها، حمایت از پاکیزگی محیط زیست و دیگر همکاریهای اقتصادی، علمی و فنی، مبارزه در راه تأمین حقوق بشر و حل مسائل و معضلات مبرم اجتماعی.

برای تحکیم مبانی صلح و امنیت در قاره آسیا

۱ ایجاد سیستم امنیت جمعی در آسیا

شمار روز است

علی رغم مقاومت نیروهای طرفدار جنگ سرد، سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز راه خود را به پیش می‌کشد و زمینه بیش از پیش برای پایان دادن به دوران بیست و پنج ساله جنگ سرد و اجراء تحول اساسی در وضع بین‌المللی، بسود صلح و امنیت خلقها آماده میشود. سیاست اتحاد شوروی که پیگیرانه به برنامه صلح مصوب بیست و چهارمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی جامعه عمل می‌پوشاند همراه با روش متوافق مجتمع کشورهای سوسیالیستی و اراده همه نیروهای صلح دوست جهان بیش از پیش بر مقاومت عنودانه پاسداران و خامت بین‌المللی چیره میگردد.

یکی از حلقهات مهم اجراء يك سیاست جهانشمول صلح عبارت است از کوشش برای تحکیم مبانی صلح و امنیت برای آسیا از طریق ایجاد سیستم امنیت جمعی در این قاره. چندی پیش دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی لئونید ایلچ برژنف در سخنرانی مهم خود در شهر آلماتا یکبار دیگر باین مسئله که مداخلت از طرف سیاست شوروی مطرح شده است، اشاره کرده و چنین گفت:

« اکنون وظیفه بسط منطقه کاهش و خامت در مقیاس جهانی مطرح است. در جریان طرح این وظیفه، ما مهم می‌شمریم که آسیا در جبهه وسیع به این جریان جنب گردد. در اجراء این منظور ما نه فقط منافع کشور خودمان را که دو سوم اراضی آن در آسیاست در نظر داریم، بلکه مقام و مرتبه این قاره را در زندگی بشر، نقش کشورهای آسیائی را در مقیاس جهان، منافع و مصالح خود آسیا و خلقهای آنرا در نظر می‌گیریم. »

آسیا که در گذشته بخش عمده‌اش میدان ناخوش و تاز امپریالیسم بود اینک منظره دیگری دارد؛ با اینکه امپریالیسم بوزنه امپریالیستهای آمریکا و انگلیس در برخی از کشورهای آسیائی مانند ایران کماکان با نگاههای نیرومند اقتصادی، سیاسی و نظامی وایدیولوژیکی را برای خود حفظ کرده‌اند، ولی تجاوز تبه کارانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام با شکست مواجه شده و در همه جا بندهای استعماری و نو استعماری از هم گسسته و می‌گسلد و جریان تحول و تجدید نیرومندی در کشورهای آسیائی میگردد. تحکیم صلح و امنیت در آسیا باین جریان و رهائی کامل این قاره از رقت اقتصادی سیاسی و معنوی امپریالیسم بیش از پیش کمک خواهد کرد.

منظور از سیستم جمعی در آسیا چیست؟ منظور ایجاد آنچنان سیستمی از مناسبات بین کشورهای آسیائی است که بر پایه همزیستی

مسالمت آمیز و حسن همجواری، عدم توسل بزور برای حل اختلافات و بر عکس حل این نوع اختلافات از طرق مسالمت آمیز؛ احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی و مراعات نقض ناپذیری سرحدات موجود؛ عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر؛ بسط همکاریهای وسیع اقتصادی و فرهنگی بر پایه تساوی کامل حقوق و صرفه متقابل؛ احترام به حق کشورها در تعیین سر نوشت و اداره امور خود و استفاده مستقلانه از ثروت ملی خودش و اجراء اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی در کشور خود؛ ناروا شدن هر گونه اعمال زور و تجاوز و سیاست غاصبانه و توسعه طلبانه کثوری نسبت به کشور دیگر؛ مبتنی باشد.

استقرار چنین مناسباتی منظره ای نو و افقی وسیع برای پیشرفت کشورهای آسیائی ایجاد میکند.

۲ - يك مبارزه دشوار

و يك هدف قابل تحقق

برای ایجاد سیستم امنیت جمعی در آسیا، بدان معنی که گفته‌ایم، راه البته هموار نیست و مبارزه‌ای دشوار و نسبتاً طولانی در پیش است. در آسیا کشورهایی هستند مانند چین که آشکارا با این نظر مخالفت می‌کنند. چین خود از شرکت کنندگان کنفرانس « بانکوک » است که در آن اصول یاد شده در مورد همزیستی مسالمت آمیز تصریح گردیده است ولی اینک چین علی‌رغم قبول لفظی همزیستی مسالمت آمیز، به یکی از حامیان سر سخت جنگ سرد و از دشمنان پر حرارت کاهش و خامت مبدل شده است. کشورهای هستند که بظاهر با امنیت آسیائی مخالفت ندارند و آنرا در لفظ می‌پذیرند ولی در عمل با آن مخالفتند. در این زمینه باید بویژه از دولت ایران نام برد. که آشکارا نقش ژاندارم منطقه خاور میانه را برای خود قائل شده است. اخیراً مجله آمریکائی « تایم » در شماره ۶، توت ۱۹۷۳ خود در مقاله‌ای تحت عنوان « خاور میانه، پلیس خلیج فارس » چنین نوشت: « محمد رضا شاه پهلوی آریا مهر شاهنشاه ایران و وارث تاج و تخت دو هزار و پانصد ساله به تشویق آمریکا خود را پلیس خلیج فارس اعلام داشت. »

شاه و هویدا در برخورد با رهبران همسایه شمالی ما اتحاد شوروی ضرورت ایجاد يك سیستم امنیت جمعی در آسیا را مورد تأیید و تصدیق صریح قرار داده‌اند ولی اعزام نیرو و به‌ظنار تادر زیر نظر يك ژنرال انگلیسی جنبش‌رهای بخش را در این کشور سرکوب کنند؛ بند و بست نظامی با محافل ارتجاعی یا کستان برای جلوگیری از بهبود مناسبات کشورهای شبه قاره هند؛ تسلیحات سرسام آور چند میلیارد دلاری و اجراء سیاست عنان گسیخته نظام‌گیری؛ ایجاد پایگاههای نظامی

سیاست خارجی چین در ۲ - ۳ سال اخیر وارد مرحله نوینی شده است. و این زمانی است که شکست سیاست عمومی امپریالیسم در عرصه جهانی در برابر سیاست لنینی کشورهای سوسیالیستی آشکار شده بود و امپریالیسم جهانی در صدد یافتن شیوه‌های ظریفتر مبارزه و همکاریان « تازه نفسی » بود که در کینه جوئی نسبت به کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی بتوان با اطمینان به آن تکیه نمود. چین ماژوئیستی چنین همکاری بود. چین نیز بنبوه خود که در کاربرد هم‌زندن وحدت کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و ایجاد تفرقه در سازمان‌های مترقی جهانی و جدا کردن کشورهای در حال رشد از کشورهای سوسیالیستی به هدف‌های هم‌زیستی خود ترسیده و عملاً دچار شکست شده بود، در صدد یافتن وسایل و امکانات جدیدی برای این مبارزه نامیمون بود. چین در این راه جز کشورهای امپریالیستی، همکار مطمئن دیگری نمیتوانست بیابد. در اینجاست که چین از انزوا خارج

میشود و بنحوی فعال وارد جهان دیپلوماسی میگردد. ولی آنچه که نقش تازه چین ماژوئیستی را کریمه تر و اسف انگیز تر میکند، اینست که چین زمانی وارد میدان شد که اقتدار نظامی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سیاست اصولی هم‌زیستی مسالمت آمیز آنها،

در بندر عباس و چاه بهار؛ تقویت سنتو؛ طرح دعای بلند پروازانه در مورد دریای عمان و اقیانوس هند؛ سیاست خصمانه نسبت به جمهوری عراق و سایر کشورهای ضد امپریالیستی آسیا و غیره، فهرست ناقصی است از عمل دولت ایران که صریحاً متناقض با محتوی اصول یاد شده در باره امنیت جمعی است. این یکی از اسلوبهای رایج هیئت حاکمه ایران است که خیلی راحت و آسان حرفهای طلائی را در باره صلح، انقلاب، دموکراسی،

سیاست مستقل ملی امنیت جمعی و غیره را تکرار میکند ولی در عمل همه این سخنان را بنحوی خشن یا نامل مینماید. طبیعی است که این سیاستی است بی‌دورنما، مانند همه دیپلوماسیهای مبتنی بر فریب که برد تاریخی ندارد. ما اطمینان داریم که تقلابهای کنونی محافل جنگ سرد که هیئت حاکمه ایران در ارتباط نزدیک با آنان و موافق منافع آنها عمل میکند دیر یا زود با ناکامی روبرو خواهد شد و اندیشه امنیت جمعی در آسیا تحقق خواهد یافت. در طرح برنامه حزب توده

ایران « مبارزه در راه تأمین امنیت جمعی کشورهای آسیائی و حفظ تحکیم مبانی صلح در خاور میانه » از خواستههای مبرمی است که برای يك سیاست خارجی ملی و مستقل بمعنای واقعی ضرور شده است. حزب ما در راه این شعار بزرگ صلحدوستانه مبارزه کرده است و خواهد کرد. ۱. س.

سیاست خارجی پکن در خدمت حفظ محیط و خامت بین‌المللی

محافل معینی از کشورهای امپریالیست « سر عقل » آورده و آنان را به عقب‌نشینی معینی واداشته است. در این شرایط ناگزیر است که با ارتجاعترین، تجارترین و کین توزترین دشمنان صلح و سوسیالیسم که تمیخواهند با شرایط سازنده همکاری کنند، نگاهی ولو اجبارانه دوره ترک انزوای سیاسی چینی واقعیت تلخ را به ثبوت میرسانند.

چین از بزرگترین و تجاوز کار بلو کهای نظامی دوران مابعد نانو به بر میخیزد و پیشرفت کار کنفرانس و همکاری اروپا را که نتیجه سالها نخستگی ناپذیر اتحاد شوروی و سایر های سوسیالیستی است، خطری برای اروپای غربی، دومین کانون بزرگ امپریالیسم، آنهم خطری از جانب اتحاد شوروی میدهد. چون لای به رجال سیاسی اروپای غربی توصیه میکند که « قدرت کشورهای باید عامل باز دارنده اتحاد شوروی باشد. چون لای در عین طریق روزنامه « واشنگتن پست » که را که در آمریکا خواهان کاستن نیرو نظامی آمریکا در آلمان غربی هست « ساده لوحی » متهم میسازد. چین از قرا نظامی ژاپن و آمریکا که بنام « قرار داد امن

منعده شده و از ایجاد « چتر اتمی » له در خاور دور عملاً پشتیبانی میکند و با کشورهای سوسیالیستی برای پایان دادن مسابقه تسلیحاتی، منع سلاحهای هسته‌ای شیمیائی و میکروبی، کاستن از هزینه نظامی و ایجاد امنیت جمعی در اروپا و و سراسر جهان همه جا به مخالفت بر میخیزد. چین در سازمان ملل در مورد مسائلی؛ مبارزه با نژاد پرستی، استعمار و سایر کشورهای امپریالیستی عملاً بر ترقال و چهره آفرینای جنوبی، این کشورهای استعمراتی و نژاد پرست همکاری میکند. روش دشمنانه چین در مورد خلق ستمدیده بنگلادش ماهیت واقعی تمام لفاظیهای ماژوئیست را باره پشتیبانی از جنبش آزادیبخش خلق هر انسان بی غرضی نشان داد.

ماژوئیستهای چین که زمانی با تحریم و واقعیت سیاست خارجی کشور سوسیالیستی، این کشورها و بخصوص اتحاد شوروی را بعزت پیروی از اصل همزیستی مسالمت آمیز به همکاری با امپریالیسم متبر میکردند، اکنون خود عملاً و پایی پروائی قابل تصویری در راه بنی فرجام همکاری امپریالیسم گام نهاده‌اند. سیاست خارجی کشور سوسیالیستی در درجه اول باید متوجه تحکیم وحدت و گسترش همکاری با سایر کشورهای سوسیالیستی باشد، ولی چین در جهت تضعیف این وحدت و گسست همکاری

مناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم»

از هنگام تأسیس مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ارگان تئوریک و اطلاعاتی جهانی کمونیستی و کارگری پانزده میگذرد. کمیته مرکزی حزب توده بدین مناسبت نامه شادباشی برای هیئت مجله و کلمه کارکنان این ارگان سوسیالیستی احزاب برادر ارسال داشته

مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» سامبر سال ۱۹۵۸ با شماره ۲۰ حزب آغاز انتشار نهاد و اینک در شورای ریه آن نمایندگان ۴۵ حزب و از جمله حزب توده ایران شرکت دارند. علاوه بر ۲۰ حزب بطور مستمر با مجله ری میکنند و بدین سان تعداد احزاب ت کنند علاوه بر بیش از ۷۰ حزب میرسد. در سال ۱۹۵۷ مجله به ۱۹ زبان و در کشور انتشار مییافت، ولی اکنون به ۲۶ و در ۱۴۲ کشور انتشار مییابد و تیراژ آن به بیش از ۴۰۰ هزار نسخه میرسد. انتشار مجله بزبان فارسی از سال ۱۹۵۷ تحت عنوان «مسائل بین المللی» گردید و اکنون تیراژ آن غیرمجموعه رهای ناشی از فعالیت غیر علنی حزب ایران به ۳ هزار نسخه میرسد.

مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» ن کلکتیو احزاب برادر است. مساعی تحریریه آن متوجه انجام وظایف زیرین :
طرح ریزی، تبلیغ و ترویج مسائل ی مارکسیسم - لنینیسم و استراتژی و یک جنبش انقلابی، تبادل تجربه میان ب برادر، تحکیم وحدت ایدئولوژیک ستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی گری بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم زانوسوالیسم پرولتری، آگاه ساختن ندگان از چگونگی فعالیت و مبارزه ب برادر و کلیه نیروهای مترقی و ضد یالستی علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع ی، در راه آزادی و استقلال ملی، ترقی عی، صلح، دمکراسی و سوسیالیسم. احزاب برادر ضمن ارزیابی فعالیت هیئت ریه مجله بارها نقش آنرا در زمینه تکامل مارکسیستی، اقتصاد سیاسی، کمونیسم و تحلیل مسائل تئوریک در پیوند با یک انقلابی جنبش با عظمت دوران ما نشان ساخته اند.
تشریح خصائص اساسی دوران کنونی،

سی مسائل انقلاب علمی و فنی و تفاوتهای ی گسترش آن در سیستم جهانی سوسیالیسم و در جهان سرمایه داری، تحلیل جریانها، رایشهای اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، لوزیک و کلیه مسائل اساسی زندگی اعی در صفحات مجله جای مهم دارد. مجله با توجه به ضرورت بررسی عمیق مندیهای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم

مقالات تحلیلی جامعی درباره چگونگی تکامل جامعه سوسیالیستی، اهمیت وحدت و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و هم یونندی اقتصادی آنان، نقش عظیم جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه بارنگاه نیرومند آنان - اتحاد شوروی - در گسترش روزافزون دامنه جنبش انقلابی جهان و فعالیت مؤثر آنان در راه تحکیم صلح و امنیت جهانی درج میکند.

تحلیل علمی مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام سرمایه داری معاصر، بررسی همه جانبه مختصات سرمایه داری دولتی و در آمیزی روز افزون قدرت انحصارات و دستگاه دولتی، تشدید بحران عمومی سرمایه داری، جوانب و عواقب نظامیگری، افشای ماهیت استعمار نو و کهنه و خصلت تجاوزکار امپریالیسم و سانس آن برای برهم زدن اتحاد نیروهای انقلابی، اشکال گوناگون مبارزه رژیم سرمایه داری علیه جنبش کارگری و نیروهای دمکراتیک و بسیاری از مسائل دیگر در این زمینه ها مورد توجه دائمی کارکنان مجله است.

مسائل تئوریک مربوط به خصلت دورنمای مبارزات آزادیبخش ملی خلقها و شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نیروهای محرکه جنبش آزادیبخش ملی، بیکار جانبازان و ایثار و از خود گذشتگی رزمندگان این جنبش علیه تجاوز نیروهای امپریالیستی و هندستان آنها، نقش احزاب کمونیست و کارگری در این جنبشها، تأثیر عظیم کمکها و پشتیبانی های مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهان از آنها در صفحات مجله مورد تحلیل همه جانبه قرار میگردد. بطور کلی میتوان گفت که بررسی هیچ مسئله اساسی و مهمی از حیات اجتماعی در جهان معاصر از نظر کارکنان مجله دور نمی ماند و هیچ مبارز واقعا انقلابی نمیتواند خود را از بررسی مداوم مقالات مندرجه در این مجله بی نیاز بداند. مؤلفین بسیاری از مقالات مجله را رهبران نامی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و کادرهای مبرز احزاب برادر تشکیل میدهند.

مجله طی دوران پانزده ساله فعالیت خود در اشاعه اندیشه ها و اصول تئوری مارکسیسم - لنینیسم، کمک به تقویت وحدت جنبش جهانی کمونیستی، مبارزه علیه تئوری های کاذب ایدئولوژی بورژوازی و علیه صور گوناگون رویزونیسم، اپورتونیسم راست و «چپ»، تئوری و پراتیک آنتی کمونیسم و آنتی سونیسم، علیه سکتاریسم و آوانتوریسم و شونیسم عظمت طلب نقش مؤثری داشته و به احزاب مارکسیست - لنینیست در زمینه طرح ریزی راه صحیح کاربست خلاق تئوری مارکسیسم - لنینیسم در شرایط مشخص هر کشور، با توجه به ویژگی ها و سنن ملی و تاریخی آنان کمکهای ارزنده مبنول داشته است.

دنباله از صفحه ۲

سیاست خارجی یکن...

پیش می رود؛ همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای غیر سوسیالیستی بیش از همه باید در جهت بر انداختن پیمانهای نظامی، خلع سلاح و کاهش و خاتم بین المللی و منفرد کردن ارتجاعترین و متجاوزترین محافل امپریالیستی انجام گیرد، ولی سیاست چین در راه تحکیم و تقویت پیمانهای نظامی، تشدید مسابقه تسلیحاتی، افزایش وخامت و تشجیح محافل ارتجاعی و تجاوزکار عمل میکند؛ سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی در جهت پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش آزادیبخش ملی سیر میکند، ولی سیاست یکن عملدرازه تضعیف این جنبش گام بر میدارد. تمام این سیاست غیر مارکسیستی رهبران چین در وهله اول علیه اتحاد شوروی متوجه است. و این سیاست مورد تأیید ارتجاعترین محافل امپریالیستی قرار گرفته است. اشتراکس نماینده جناح راست افراطی آلمان غربی میگوید: «تضادهای روس و چین برای اروپا پدیده ایست مثبت و نه منفی، زیرا برای مازوپائیان «خطر سرخ» از جانب شوروی است و نه چین». شاید بهتر از این نتوان ماهیت سیاست خارجی چین را نشان داد.

بررسی سیاست خارجی چین و افشای ماهیت ضد سوسیالیستی و ضد انسانی آن برای ما ایرانیان یک عمل تقنینی و تجربیدی دور از واقعیات زندگی سیاسی و اجتماعی نیست. همین مدت کوتاهی که از برقراری مناسبات سیاسی یکن و تهران میگذرد، یونند بسیار نزدیک سیاستی را که چین در هر گوشه ای از جهان از جمله در ایران اعمال میکند، با سیاست عمومی چین در جهان آشکار میسازد.

سفر وزیر خارجه چین به تهران نشان داد که یکن از سیاست نظامیگری دولت ایران که در چارچوب پیمان سنتو و پیروی از پیمانهای تجاوزکار امپریالیستی اعمال میگردد، از سیاست سطره جویانه هیئت حاکمه در منطقه خلیج فارس که برای حفظ منافع بزرگترین کشورهای و بزرگترین انحصارات امپریالیستی انجام میگردد، از سیاست مداخله مستقیم ایران در امور کشورهای همجوار و سرکوب نهضت های آزادیبخش منطقه خلیج فارس بطور در بست پشتیبانی میکند و رژیم حاکم بر ایران را در راه تشدید این سیاست ضد ایرانی و ضد خلقها و ضد

سطح علمی عالی مقالات مجله و محتوی غنی ایدئولوژیک و سیاسی آن مجله را به ترینون شایسته جنبش انقلابی با عظمت دوران ما بدل کرده است و پیوسته خوانندگان هر چه بیشتری را از میان نیروهای مترقی و انقلابی بسوی خود جلب میکند و این واقعیتی است که از جمله تجربه عملی حزب ما در زمینه انتشار و پخش مجله «مسائل بین المللی» بزبان فارسی صحت آنرا کاملاً تأیید میکند. ما بدست آوردن و بررسی مستمر این مجله را به تمام نیروهای انقلابی، مترقی و مینهن پرست توصیه میکنیم.

صلح تشویق مینماید. یکن در ادعاهای رژیم در مورد «خطر شوروی» و «اقدامات خرابکارانه» در منطقه خلیج فارس با محافل ارتجاعی ایران همدرد شده و شاه را به افزایش هر چه بیشتر هزینه های سرسام آور نظامی که میتواند در راه پیشرفت اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم بکار افتد، تشجیح میکند.

در اینجا باید به نقش مزورانه عمال ایرانی سیاست یکن نیز توجه داشت. آنان که هر گونه مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی را به سازش با هیئت حاکمه ایران متهم میکردند، اکنون پشتیبانی رستوای رهبران چین را از اقدامات ضد خلقی رژیم که بخصوص در ۲ - ۳ سال اخیر گستاخانه تیر و عیان تر شده، همچون کبکی که سر خود را زیر برف کرده، نا دیده میگیرند و عملاً به همکاری واقعی با رژیم میپردازند.

این سیاست رهبران چین و همآواگی آنان با رژیم حاکم بر ایران با منافع حیاتی مردم ایران که در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم مرحله بس دشواری را از سر میگذرانند، هیچگونه وجه مشترکی ندارد. مبارزان واقعی باید ماهیت سیاست خارجی یکن را چه در عرصه جهانی و چه در ایران افشاء نمایند.

مسعود

فراگیریم! بخاطر بسپریم! بکار بندیم!

انقلابیگری کاذب و دست زدن به ماجرا - جوئی بی سرانجام یا تسلیم طلبی اپورتونیستی در قبال امپریالیسم و رژیم، راه صحیح بیکاراجتماعی نیست. راه صحیح عبارتست از ایستادگی جسورانه، سرسخت و بیرحوصه در سنکر مبارزات متنوع سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی بر ضد امپریالیسم و رژیم، بسود استقلال، دموکراسی، ترقی، رفاه و صلح و آماده ساختن و بسیج بوده ها در جریان این مبارزات، تا زمانی که شرایط انقلاب پررزمند مردم و تحول بنیادی جامعه فراهم گردد. هر راهی جز این ناچار به سراشبب انحراف می رود و یا منجر به تسلیم و پاسیف ماندن میشود.

وظایف یک انقلابی آگاه در کشور ما چنین است:
فراگیری جهان بینی حزب طبقه کارگر، مارکسیسم - لنینیسم، بشکل جامع؛
انطباق صحیح احکام عام این جهان بینی بر شرایط ویژه تاریخ و جامعه ما؛
استخراج رهنمود عمل از این انطباق؛
مراعات اکید انترناسیونالیسم پرولتری، که محتوی اساسی آن پشتیبانی بیکار از مجتهد کشورهای سوسیالیستی و در پیشایش آنها اتحاد شوروی است؛
وفاداری بی خلل به حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، و حفظ اعتبار، وحدت و سنن و ادامه راه آن؛
کوشش بیکار و خستگی ناپذیر در راه دنباله در صفحه ۴

مبارزه برای اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت همچنان ادامه خواهد یافت

۵) درآمد ایران از نفت بر همان اساس قرار داد قبلی تعیین میگردد، یعنی مالیات بر درآمد بیزان ۵۰ درصد اضافه ۱۲۰ در آمد مشخص. این درآمد از نوع حق الامتياز است. دولت ایران که خود دارای صنایع ملی شده نفت است به این قانع شده است که درآمدش کمتر از درآمدی نباشد که طبق «قراردادهای مشارکت»، کشور های تولید کننده نفت خلیج فارس، که نفت ملی شده ندارند، بدست میآورند.

۶) طبق قرار داد جدید، کنسرسيوم برای مدت ۲۰ سال یعنی تا سال ۱۹۹۳ نفت مورد احتیاج خود را با شرایط امتیازی و تحت کنترل خود تأمین کرده است. با توجه به اینکه در سالهای آینده نزدیک تولید نفت ۸ میلیارد بشکه در سال افزایش خواهد یافت، باید گفت که نه فقط در پایان قرارداد ذخیره مکشوف نفتی ایران در منطقه کنسرسيوم خاتمه خواهد پذیرفت، بلکه عموماً ذخایر نفتی این منطقه در خطر تمام شدن خواهد بود.

۷) قرار داد جدید حربه ایست در دست انحصار های بین المللی نفت برای اعمال فشار به آن کشورهای تولید کننده نفت که سیاست رادیکالی را در مسئله نفت در پیش گرفته اند و نیز افزار اقتصادی نیرومندی است در دست کنسرسيوم برای اعمال نفوذ و تأثیر در وضع کشور ما در جهت منافع امپریالیسم. قرارداد جدید نه فقط ایران را از سایر کشورهای تولید کننده نفت جدا میکند، بلکه آنرا بزیان مبارزه ضد انحصارات نفتی در برابر این کشور ها قرار میدهد. قرار داد جدید نفت جوانب ارتجاعی سیاست داخلی و خارجی رژیم ایران را بیش از پیش تشدید خواهد کرد.

مسئولیت رژیم

علیرغم موارد آشکار نقض حق حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت و نقض قانون ملی شدن صنایع نفت، دستگاه تبلیغاتی رژیم میکوشد برخی عقب نشینی های کنسرسيوم را در زمینه افزایش اختیارات شرکت ملی نفت، امکان فعالیت مستقل شرکت ملی نفت و درآمد ایران، اجرای تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت و اعمال حق حاکمیت کامل ایران بر منابع نفت جلوه گر سازد.

اینکه کنسرسيوم مجبور به عقب نشینی هائی شده و شرکت ملی نفت ایران امتیازات جدیدی بدست آورده است نتیجه مستقیم اوضاع جهان، منطقه خاور میانه و ایران است. مبارزه مردم ایران علیه انحصارات غارتگر نفتی و بیخاطر اجرای تمام و کمال ملی شدن صنایع نفت، که هیچگاه قطع نشده، تغییر تناسبات قوا در صحنه جهانی بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم، مبارزه کشورهای عربی تولید کننده نفت که نتایجی بصورت ملی کردن بخشی

در باره شادروان علی امید

با تأسف تمام اطلاع یافتیم که چندی است رفیق علی امید در ایران در گذشته است. رفیق علی امید، دهقان زاده فقیری از قریه رودان کرمان و جزء گروههای اولی بود که در آبادان بکار نفتگیری پرداختند. وی در اعتصاب وسیع سه روزه بیست هزار نفری ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۸ در آبادان، که اولین اعتصاب بزرگ نفتگران خوزستان بود و مسقیماً تحت رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت، نقش فعال و سازمانده ایفاء کرد. علی امید از همان ایام با اندیشه های رهاگر مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته و عضو حزب کمونیست ایران بود. پلیس رضا شاه او را در سال ۱۳۱۰ دستگیر کرد. فقط پس از ده سال زندان، در دوران جنگ دوم جهانی از زندان آزاد شد. در دوران بازجویی و زندان علی امید (که آنهنگام او را بسبب جهت ضعیف و سه چرذگی «گاندی» مینامیدند) بعنوان مظهر مقاومت و ایستادگی بی ترنزل شهرت یافته بود و از این جهت مورد احترام فراوان زندانیان سیاسی بود. پس از رهائی از زندان علی امید در ایجاد جنبش اتحادیه ای در تهران و خوزستان فعالیت فراوان نمود و حیثیت بزرگی در میان طبقه کارگر ایران بدست آورد. علی امید عضو حزب توده ایران و از فعالین شورای متحده مرکزی بود. در اعتصابات

دنباله از صفحه ۱

توطئه جنایتکارانه علیه زندانیان تسلیم ناپذیر

ما این نقشه شیطانی تازه «ساواک» را فاش و اعلام میکنیم که هر حادثه ای زندانیان علیه رفقای ما خاوری و حکمت و هر زندانی سیاسی دیگر رخ دهد عامل آن آن اهریمنان ساواک و مسئول اجرای این نقشه ها حکومت ایران، مقامات قضائی که در رأس آن دیسکتاتور ایران محمد شاه است.

ما مردم ایران و افکار عمومی چهار به فجا بیکه اکنون در کشور ما رخ میدهد جلب میکنیم و خواستاریم که بیاری زندانیان سیاسی ایران بر خیزند و جان کسانی را بخاطر هدفهای انسانی در بندند از خطر آنها را تهدید میکنند نجات بخشند.

گویا

دنباله از صفحه ۳

فرا گیریم! بخاطر لیسپریم! بکار بند بخش نظریات حزب توده ایران میان توده بکار بردن همه نیرو برای دوباره زنده کردن سازمانهای حزب توده ایران؛ شرکت مستقیم و فعال در مبارز روزمره و مشخص مردم؛ شناسائی مبارزان و برگزینی بهتر آنان برای دعوت به صفوف حزب.

سیاسی که از هفتخوان شکنجه و محاکمه در بیداد گاههای نظامی گذشته و در نیغوله های زندانها سالها پشت درهای آهنین نشسته اند طرح شده است. هدف این نقشه شیطانی نابود کردن کلیه زندانیانی است که پس از «محکومیت» حاضر بتسلیم و همکاری با «ساواک» نشده و شرافت و وجدان خود را بیای آدمکشان نریخته اند. گر چه شرایط زندانیان محمد رضا شاهی طوری است که زندانیان را خود به خود به مرگ تدریجی میکشاند ولی دستگاه لعنتی «ساواک» در نابودی آنها شتاب و عجله دارد و در نقشه مرگ زائی که کشیده استفاده از نفرت انگیزترین وسائل را پیش بینی کرده است. مسموم کردن زندانیان، ایجاد صحنه های مصنوعی زود خورد بین زندانیان سیاسی و چاقو کشان حرفه ای، وعده پاداش نقدی و آزادی به جنایتکارانیکه یکی از زندانیان سیاسی مورد نظر «ساواک» را از پای درآورند از جمله این وسائل است.

باین ترتیب جان زندانیانیکه استوار مانده و تسلیم «ساواک» نشده اند در خطر میباشد. هم اکنون جان رفقای دلیر و مقاوم ما علی خاوری و پرویز حکمت جو در معرض چنین خطریست.